۳- چرا سقراط دانایی را در اقرار به نادانی می‌دانست؟ آیا میان «چیزی نمی‌دانم» سقراط با «چیزی نمی‌دانیم» سوفسطائیان تفاوتی هست؟ زیرا فرد بدین‌ترتیب به مرتبه‌ای از خویشتن‌شناسی دست یافته است و از جهل مرکب خلاصی پیدا کرده است. ـ بله، سوفسطائیان به نادانی خود آگاه نبودند اما نمی‌دانم سقراط به این معنی بود که او نسبت به نادانی و جهل خود آگاه است و از دیگران سؤال می‌کرد تا بداند.

۴- وقتی به زندگی سقراط و رفتار او در مقابل دیگران نگاه می‌کنیم، کدام اصول اخلاقی را در رفتار وی می‌توانیم مشاهده کنیم؟ عمده اصول اخلاقی سقراط این بود که انسان باید جویای خوشی و سعادت باشد و خوشی و سعادت در نظر سقراط از طریق مخالفت با خواهش‌های نفسانی به‌دست می‌آید و سعادت هر کس در گرو انجام وظایف خود نسبت به دیگران است و فضیلت در دانش و حکمت است.

فصل ۲: معرفت و شناخت

درس ۶: امکان شناخت

مفاهیم آموزشی

۱- انسان و شناخت
۱) از ویژگی‌های انسان، شناختن است. (ما پدیده‌های پیرامون خود را می‌شناسیم.)
۲) از طریق شناخت پدیده‌ها با آنها ارتباط برقرار می‌کنیم و از آنها استفاده می‌نماییم.
۳) دیدن، شنیدن صداها و ... باعث درک ویژگی‌های اشیا و افراد و شناخت آنها می‌شود.
۴) سخن گفتن، دور شدن از چیزی یا نزدیک شدن به آن و ... ناشی از دانستن و شناختن است.
۵) دربارهٔ اموری برتر از حواسمان مانند گذشته و آینده و ... می‌اندیشیم و دربارهٔ آن نظری داریم.

نتیجه: ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.

۲- ویژگی‌های شناخت انسان
۱) شناخت ما از جهان به‌تدریج افزایش می‌یابد، از آغاز تولد چیزی نمی‌دانیم و گام به گام با پدیده‌های جهان آشنا می‌شویم؛ یعنی با آموختن و یادگیری در مسیر شناخت بیشتر پیش می‌رویم.
۲) علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما محدود است.
۳) حقایق بسیاری در عالم هست که آنها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.
۴) گاهی دچار خطا می‌شویم.
۵) گاهی افراد مختلف در مورد موضوع واحد، نظرها و باورهای متفاوت دارند.

۳- ✪ معرفت‌شناسی
آن بخشی از فلسفه است که به خود پدیدهٔ شناخت می‌پردازد و درصدد است پاسخ پرسش‌های مربوط به شناخت را بدهد. معرفت‌شناسی همیشه جزئی از فلسفه بوده است و اندیشیدن فیلسوف دربارهٔ موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان ناگزیر دیدگاهی دربارهٔ خود اندیشیدن و شناخت را در پی دارد. امّا امروزه به علت طرح پرسش‌های جدّی و جدید معرفت‌شناسی یا (نظریهٔ معرفت) به‌صورت شاخهٔ مستقلی درآمده است.

۴- فیلسوفان دوره‌های مختلف که دربارهٔ معرفت و شناخت بشر نظر داده‌اند
۱) یونان باستان: ۱- افلاطون، ۲- ارسطو
۲) دوره اسلامی: ۱- ابن‌سینا، ۲- شیخ اشراق، ۳- ملاصدرا، ۴- علامه طباطبائی
۳) دوره جدید اروپا: ۱- دکارت، ۲- هیوم، ۳- کانت (فیلسوف قرن ۱۸ آلمان) که موجب شد: ۱) شاخهٔ «معرفت‌شناسی» فلسفه رشد بیشتری کند. ۲) فیلسوفان بیشتری در دورهٔ جدید به آن بپردازند.

۵- چیستی معرفت: معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روشن است و نیاز به تعریف ندارد. شناخت همان دانستن و آگاهی است و اگر ابهامی هم از جهت کلمه و لغت باشد، حداکثر با بیان معادلی (معرفت = شناخت) رفع می‌شود.

۶- امکان معرفت
۱) شناخت اشیا و موجودات جهان یک امر بدیهی و روشن است و نیازی به تحقیق و پیدا کردن دلیل ندارد.
۲) صحبت با طرف مقابل یا برداشتن لیوان آب یا ... گویای آن است که به امکان شناخت خود پی برده‌ایم.
۳) همین امر بدیهی چه در گذشته و چه در حال انکار شده است.

۷- ✪ سوفیست‌ها
۱) به علت استفاده از مغالطه‌های مختلف در گفت‌وگوها و در محاکم قضایی هر باطلی را حق جلوه می‌دادند.
۲) به تدریج به این نظر رسیدند که انسان توانایی رسیدن به حقیقت را ندارد و نمی‌تواند به علمی که مطابق با واقع باشد برسد.

ـ عقاید گرگیاس یکی از سوفیست‌ها
۱) اولاً چیزی وجود ندارد.
۲) ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست و انسان ابزار شناخت آن را ندارد.
۳) ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید.

©KonkurPRO

نتیجه: ۱) حقایق بسیاری وجود دارد که هنوز انسان نتوانسته آنها را بشناسد و ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برخی امور شک کنیم مانند «آیا می‌توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟»، این شک غیر از شک در امکان اصل شناخت است. ۲) هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت برای هر انسانی روشن است. ۳) شکّاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همهٔ دانسته‌ها، امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

۸- پیشرفت پیوسته دانش انسان

- بشر به‌طور طبیعی از ابتدای زندگی خود روی زمین، برای درک خود و جهان پیرامون خویش تلاش کرده است. نتیجهٔ این تلاش مستمر، دستیابی انسانی به دانش‌های مختلف در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون علم است. همین پیشرفت خود دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است.

- پیشرفت به دو صورت در حال انجام است.
  - ۱) حل مجهولات
    - ۱- دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان
    - ۲- گشودن شاخه‌های جدید دانش
  - ۲) پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها

مثال: دانش ما دربارهٔ کیهان و ستاره‌ها پیوسته هم در حال تکمیل و هم تصحیح است.

در جهت تکمیل: منجمان به تدریج ستارگان بیشتری را شناسایی کرده‌اند و شناسایی خواهند کرد.

در جهت تصحیح: منجمان قدیم فکر می‌کردند خورشید به دور زمین می‌گردد و مرکز جهان زمین است امّا امروزه پی برده‌اند که این نظر اشتباه بوده است.

سؤال متن ۴۴

به این چند گزاره توجه کنید:

- [x] **۱- انسان می‌تواند اشیا را بشناسد.**
- [x] **۲- انسان می‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد.**
- [ ] **۳- انسان نمی‌تواند اشیا را همان‌گونه که هستند، بشناسد.**
- [x] **۴- شناخت انسان می‌تواند خطا و اشتباه باشد.**
- [ ] **۵- شناخت انسان همواره خطا و اشتباه است.**
- [ ] **۶- انسان فقط می‌تواند همین امور محسوس و قابل تجربهٔ حسی را بشناسد.**
- [ ] **۷- انسان در شناخت امور محسوس هم همواره خطا می‌کند.**
- [x] **۸- انسان علاوه بر امور محسوس، امور نامحسوس را هم می‌تواند بشناسد.**

ابتدا بگویید کدام یک از این گزاره‌ها درست است؟ گزاره‌های ۱، ۴ و ۸ درست است. **سپس آنها را با هم مقایسه کنید و ببینید که کدام گزاره با کدام گزاره سازگار و کدام گزاره با کدام گزاره ناسازگار است.** گزاره‌های ۱ و ۲ سازگار و با گزارهٔ ۳ ناسازگارند. گزاره‌های ۴ و ۵ ناسازگار و گزاره‌های ۶ و ۷ نیز ناسازگارند. همچنین گزاره‌های ۶ و ۸ هم با هم سازگار نیستند.

تفکر ۴۵

۱- بسیار پیش آمده ...؟ ۱- همین که متوجه خطا و اشتباه شده‌ایم خود نشانه‌ای از این است که می‌توانیم بشناسیم (امکان معرفت)
۲- و از طرفی نشانهٔ این است که در این شناخت محدودیت‌هایی از جمله محدود بودن ابزارهای شناختی ما وجود دارد.

۲- بسیار پیش آمده ...؟ نشانهٔ اینکه انسان توانایی شناخت دارد (امکان معرفت) و انسان می‌تواند از راه‌های مختلفی به فهم حقایق جهان برسد و افراد می‌توانند دربارهٔ یک موضوع واحد به‌خاطر باورهای متفاوت عقاید مختلفی داشته باشند.

حل یک مسئله ۴۷

✪ **گذشتگان چنین می‌اندیشیدند ...؟** خیر- حقایق بسیاری هستند که ممکن است ما آنها را نشناسیم یا ابزارهای لازم برای شناخت آنها اکنون وجود نداشته باشد امّا این نشان‌دهندهٔ این نیست که انسان توانایی شناخت ندارد. امکان معرفت یک امر بدیهی است.

به‌کار ببندیم ۴۹

۱- نمونه‌هایی از پیشرفت ... . نیوتن با کشف قانون جاذبه به قوانینی دست یافت که از طریق آنها می‌توان حرکت اشیاء و نور را توضیح داد امّا چون نظریه‌اش کامل نبود بعدها دانشمندان مانند انیشتین تئوری‌های نسبیت عام و خاص را مطرح کردند که نظریه‌ای کامل‌تر نسبت به قانون جاذبه نیوتن بود.

۲- نمونه‌هایی از پیشرفت ... . فرضیه مسطح بودن زمین که قرن‌ها مورد پذیرش دانشمندان بود و بعدها باطل شد و کروی بودن زمین مورد پذیرش قرار گرفت.

۳- ✪ چرا کسی که ... . زیرا خود این نظر (هیچ شناختی ممکن نیست) با شک مطلق ناسازگار است به عبارتی این نظر که هیچ شناختی ممکن نیست خود به نوعی شناخت است و از همین‌رو است که با شک مطلق سازگار نیست.

@KonkurVIPBook

ارزشیابی مستمر

الف) درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. (۱ نمره)

۱ سوفسطائیان معتقد بودند جهان را نمی‌توان شناخت و آنچه را که ما علم و دانش می‌نامیم تنها ساخته و پرداختهٔ ذهن ماست و تطابقی با واقعیت‌ها ندارند. ☐ درست ☐ نادرست

۲ سقراط هیچ کتابی ننوشت و سراسر حیاتش را با فلسفه سپری کرد. زندگی وی حکایت واقعی فلسفه است. ☐ درست ☐ نادرست

ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. (۱)

۳ بخشی از فلسفه که به پدیدهٔ شناخت می‌پردازد و به سؤالاتی مانند «شناخت چیست؟» پاسخ می‌دهد، ..... نام دارد.

۴ یکی از ویژگی‌های انسان توانایی ..... است که ما از طریق آن با اشیا و پدیده‌های پیرامون خود ارتباط برقرار می‌کنیم.

۵ سقراط در دفاعیهٔ خودگفت که خداوند او مأمور کرده است تا در جست‌وجوی ..... بکوشد و آن را به دیگران ..... .

ج) وصل کنید. (۰/۵)

۶ دفاعیه سقراط

۷ از فیلسوفان دورهٔ جدید اروپا که موجب رشد معرفت‌شناسی شد.

- ۱) هیوم
- ۲) کانت
- ۳) بیانیه‌ای فلسفی

د) گزینهٔ درست را با علامت ✓ مشخص کنید. (۰/۵)

۸ به علت افکار شک‌گرایانه سوفسطائیان، جامعه آتن از ..... و ..... فاصله گرفته بود.

الف) فضیلت - اخلاق ب) اخلاق - حقیقت ج) حقیقت - فضیلت د) علم - حقیقت

۹ همیشه ..... جزئی از فلسفه بوده است. ممکن است ما در ..... شک کنیم و این شک غیراز شک در امکان اصل شناخت است.

الف) فلسفهٔ اولی - نظریه‌های علمی ب) معرفت‌شناسی - توانایی خود برای شناخت امور

ج) چیستی معرفت - آگاهی‌های کسب شده د) امکان معرفت - نظریه‌های علمی

هـ) به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. (۱/۵)

۱۰ شکاکیت مطلق را تعریف کنید.

۱۱ ✪ راز پیام سروش معبد دلفی چه بود؟

و) به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.

۱۲ جامعهٔ آتن در زمان سقراط چه ویژگی‌هایی داشت؟ (۱/۵)

۱۳ ✪ پیشرفت دانش بشری به چند صورت در حال انجام است؟ (۱)

۱۴ نظر «گرگیاس» یکی از سوفیست‌ها را بنویسید. (۱)

@KonkurVIPBook

۱ درست (۰/۵) ۲ درست (۰/۵) ۳ معرفت‌شناسی (۰/۲۵) ۴ شناختن (۰/۲۵) ۵ دانش (۰/۲۵) - بیاموزم (۰/۲۵) ۶ ۱ (۰/۲۵) ۷ ۲ (۰/۲۵) ۸ گزینهٔ «ج» (۰/۲۵) ۹ گزینهٔ «ب» (۰/۲۵) ۱۰ شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همهٔ دانسته‌ها (۰/۵) ۱۱ این بود که به ما بنمایاند که تا چه پایه نادانیم (۰/۵) و اگر نام سقراط به عنوان دانا ذکر شده به این خاطر بود که بگوید: داناترین شما آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی‌داند. (۰/۵) ۱۲ جامعهٔ آتن در زمان سقراط متأثر از اندیشه‌های سوفسطائیان بود (۰/۵) و تحت تأثیر چنین اندیشه‌هایی اخلاق و فضیلت در میان مردم کم رنگ شده بود و بسیاری از مردم به دنبال حق جلوه دادن باطل بودند (۰/۵) و در سایهٔ جدل و سخنوری ماهرانه حق‌طلبی کم رنگ می‌شد. (۰/۵) ۱۳ پیشرفت دانش انسان به دو صورت در حال انجام است: ۱- از طریق حل مجهولات و دستیابی به اطلاعات جدید در مورد عناصر و پدیده‌های جهان و گشودن شاخه‌های جدید دانش (۰/۵)، ۲- از طریق پی بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح آنها؛ یعنی دانشمندان دانش‌های گذشتگان را اصلاح می‌کنند. (۰/۵) ۱۴ گرگیاس یکی از سوفیست‌های بسیار توانا در فن سخنوری بود. او می‌گوید: اولاً چیزی وجود ندارد (۰/۲۵) ثانیاً اگر هم چیزی وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست (۰/۲۵) و انسان ابزار شناخت آن را ندارد (۰/۲۵)، ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد و منتقل نماید. (۰/۲۵)

دانش‌آموز عزیز!!! { برای مطالعهٔ آزمون پایانی دی ماه به انتهای بخش فلسفهٔ (۱) کتاب، قسمت آزمون پایانی مراجعه کنید. }